

تربیت فرزند با الگو برداری از زندگی حضرت زهرا (س)

□ سید رضی موسوی *

□ سید رضی موسوی **

چکیده

زندگی دو نوع است؛ یکی زندگی به معنای واقعی که حاصل آن سرمایه زندگی آخری را تشکیل می‌دهد، یکی زندگی به معنای ادامه حیات مادی است. زندگی به معنای اول یک نعمتی است با ارزش که مختص انسان‌های معتقد است. این زندگی توأم با عقیده بوده غیر از زندگی حیوانی که به معنای ادامه حیات است. در زندگی عقدتی لابد از نصب العین است، برای رفتار یک نمونه و الگو می‌خواهد. این مقاله پیرامون معرفی یک الگو و اسوه زندگی از بهترین شخصیت‌های جهان هستی است؛ که حضرت زهرا سلام الله باشد.

روش تحقیق در این مقاله به شکل کتاب خانه‌ای بوده جمع آوری مطالب سپس تحلیل و پردازش مطالب. ترویج زندگی عقیدتی که به منزله روح انسانیت و دمیدن حیات بر کالبد جامعه بشری است؛ هر چند راه‌ها و روش‌های زیادی می‌توان داشته باشد. یکی از بهترین روش‌ها الگو برداری از انسان‌های ساخته شده است؛ که در این نوشتار به طوری صحیح معرفی گردیده است. دست آورد این تحقیق تلفیق زندگی معنوی و حیات مادی باروش جدید در الگو برداری از سیره حضرت زهرا (ص) می‌باشد.

کلید واژه: زندگی، الگو و اسوه، سبک، تربیت.

* فارغ التحصیل سطح چهار

* فارغ التحصیل سطح چهار

مقدمه:

عقیده و باورهای دینی همواره نقش مهمی در زندگی بشر ایفاء نموده است، هر چند حب زندگی مادی و ادامه حیات در ذات و طبیعت هر انسان نهفته است. همچنین در ابتدا رفتار و شخصیت والدین تأثیر گذار است، زیرا بهترین دوست و الگو زندگی هر انسان همان پدر و مادر است. اگر شالوده خانواده براساس عقیده و تقوی ریخته شده باشد. تربیت و الگوی عقیدتی غلبه بر الگوی رفتاری دوران کودکی می‌کند؛ و الا با خلئه عقیده، الگوی رفتاری، تبدیل می‌شود به مدل رفتاری لحظه‌ای از کوچه و بازار؛ که پیامد و ناهنجاری‌های ناخوش آیندی دارد. هر چند در این زمینه کتاب‌های زیادی نوشته شده است. هم در زمینه حیات مادی و روش‌های آن و هم در باره زندگی شخصی حضرت زهرا(ص) در این نوشتار ما به دنبال یک روش زندگی مرکب از عقیده و حیات با سبک جدید با نگاه ژرف در سیره و زندگی حضرت زهرا(ص) هستیم. الگوی صحیح که با عقیده به درستی آن و قطع در صحت انتخاب خود داشته باشد. رسوخ در عمق جان می‌نماید. دیگر تحت تأثیر اطرافیان قرار نمی‌گیرد.

۱- مفاهیم

در این قسمت معانی واژه‌های پر کاربرد در الگوگیری و واژه‌های کلیدی بررسی می‌شود.

۱/۱- تربیت در لغت

تربیت به معنای یاد دادن است مطلقاً پروردن و آموختن، (م، ت، المنجد) بعض گفته یاد دادن با قید طرف راجح؛ یعنی یاد گرفتن چیزی که کمال به حساب آید. تریبه: پروردن ادب و اخلاق را به کسی آموختن. (م ت فرهنگ معین) پروردن؛ پروراندن؛ پرورش دادن. ادب و اخلاق به کسی یاد دادن. (فرهنگ عمید) راغب در مفردات ذیل ماده رب می‌گوید: تربیت و سوق دادن چیزی به سوی کمال است. هر چند که واژه «رب» از ماده «رَبَبَ» است؛ در حالی که «تربیت» از ماده «رَبَوَ» است؛ ولی از معنایی که برای کلمه «رب» در کتب لغت

تربیت فرزند با الگو برداری از زندگی حضرت زهرا (س) □ ۱۰۳

آمده چنین استفاده می‌شود که واژه «ربو» و «ربب» از نظر معنا با یکدیگر شباهت نزدیک دارند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان این دو واژه را به یک معنا آورده است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۲/۱).

در التحقیق ذیل واژه رَبِّ می‌گوید همه اینها به یک اصل باز می‌گردد؛ و آن عبارت است از سوق دادن چیزی به سوی کمال و رفع نقایص در جهات مختلف مادی و معنوی، ذاتی و عرضی و اعتقاد و صفات و اخلاق.

به همین دلیل در کتب لغت، معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند؛ ولی به طوری که از گفتار علمای لغت استفاده می‌شود؛ این واژه هنگامی که به طور مطلق به کار رود تنها بر خداوند اطلاق می‌شود؛ چرا که او مالک حقیقی و مربی و مصلح همه چیز است؛ و هنگامی که به غیر خدا گفته شود، حتماً به صورت مضاف خواهد بود مانند رَبِّ الدَّارِ؛ (مالک خانه)، رَبِّ الابل؛ (مالک اشتر) و رَبِّ الصَّبِيِّ؛ (مربی کودک)

۱/۲- تربیت در اصطلاح

تربیت عبارت است از: آموزش دادن و یاد دادن و آگاه ساختن و به معنای پرورش و پروراندن، بار آوردن، آموزش، تغییر رفتار، است که البته این واژه در اصطلاح و عرف تفاوت با معنای لغوی ندارد. در باره اهمیت و ارزش تربیت پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: (لَأَنَّ يُوَدَّبَ أَحَدَكُمْ وُلْدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِهِ نِصْفَ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ. حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۶۷)؛ هر یک از شما که به تربیت فرزندش پردازد، بهتر است از این که روزی یک و نیم کیلو طعام صدقه بدهد. پس تربیت بر سلامتی ترجیح دارد.

۱/۳- زندگی

زندگی عبارت است از: زیست، حیات، معاش، مدت عمر، ایضاً وضع مالی و زنده بودن را گویند. شایستگی حیات و زندگانی، لایق زندگی کردن. را گویند. همچنین، زیست زندگی اصطلاحاً به فاصله‌ی میان تولد تا مرگ گفته می‌شود. هر موجود زنده، پس از تولد، شروع به رشد و تکامل می‌کند و در نهایت به واسطه‌ی مرگ، این روند متوقف می‌گردد. در لغت

مقابل مرگ و ممات. و آن صفتی است مقتضی حس و حرکت است. (فرهنگ دهخدا)

۱/۴ - سبک

سبک به معنی طرز خاصی (از نظم یا نثر) استعمال می‌گردد سبک به معنی عام خود عبارتست از تحقیق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می‌سازد. (فرهنگ دهخدا) در عرف نباید نوع را با سبک اشتباه کرد، نوع عبارتست شکل ظاهری ادبیات. سبک هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرز تعبیر را در نظر می‌گیرد در صورتی که در نوع فقط طرز انشاء را بیان می‌کند. با ذکر این مقدمه باید دانست که هیچگاه نوع از سبک و سبک از نوع بی‌نیاز نیست بلکه هر دو لازم و ملزومند، پس سبک زندگی یعنی شکل ظاهری و نوع امتیاز و طرز تفکر حاکم بر زندگی به این معنا که روش و نوع رفتار به صورت اصول کلی بر زندگی افراد حاکم است.

۱/۵ - اسوه

اسوة: (أُسوة) اسوه، اسوت پیشوا در مهمات (منتهی الارب) مقتدا. قدوه. (زمخشری). پیشرو خصلتی که شخص بدان لایق مقتدائی و پیشوائی گردد. مایهی تأسی، نمونهی پیروی. (فرهنگ دهخدا).

۱/۶ - الگو

الگو. (أ-ا) روبر. مُدِل. سرمشق. مُقتَدی. أُسوه. قدوه. مثال. نمونه (فرهنگ دهخدا) نمونه و روبری از چوب نازک یا مقوا و کاغذ و یا پارچه‌ی نازک که از روی آن چیزی را می‌برند و یا می‌سازند: نمونه انموذج طرح.

بنابر این (با توجه به معانی لغوی الگو و آنچه در معانی کلید واژها خواندیم) تربیت نیاز به مربی و الگو دارد، در ابتدا اعضای خانواده برای فرزندان خرد سال هم مربی و هم الگوی قابل اعتماد است. اگر بزرگترها رفتار اخلاقی و عقیدتی صحیحی داشته باشند تأثیر مثبتی بر روی اهل خانه و فرزندان خواهند داشت وقت در خانواده یا جامعه اخلاق و تقوی حاکم

باشد خواسته یا ناخواسته محیط را می‌سازد، برای شگوفای و به کمال رساندن شخصیت انسانی. در روش الگو بردار، بهتر است که رابطه عاطفی ایجاد شود. معمولاً که ایجاد هم می‌شود. به همین دلیل این روش یکی از بهترین روش‌های هدایت است؛ وقت که دوستی و محبت باشد رفتار محبوب در قلب حبيب جا می‌گیرد. بدون توصیه و کوشش. شخص پیرو ناخواسته به تدریج الگو می‌گیرند، بر اساس قاعده محبت رفتار محبوب تزریق می‌شود. بسیاری از مواقع است که افراد کاری را انجام می‌دهد که اصلاً به آنها تعلیم داده نشده، بلکه از کسی یاد گرفته که الگوی زندگی او بوده خواه پدر و مادر باشد خواه دوست اطرافیان باشد. افراد که حالت عاطفی با شخص دیگری داشته باشد تقلید از رفتار او را دوست دارد، به همین دلیل رفتار پدر و مادر شالوده تربیت فرزندان است.

بنابر معتقدات مؤمنین حضرت زهرا سلام الله علیها بهترین أسوه و الگو در ابعاد مختلف زندگی اسلامی است. چونکه شالوده فکری و شخصیت ایشان بر گرفته از منبع و حیانی الهی و پرورش یافته مکتب انسان ساز اسلام است. مهم‌ترین ویژگی که این الگو دارد، از دیگر الگوهای دنیا متمایز می‌سازد مقام حضرت زهرا (ص) در نزد پیغمبر (ص) و تربیت یافته خانه وحی است که این ویژگی برای هر فرد مسلمانی که می‌خواهد از ایشان الگو برداری کند، فوق العاده حائز اهمیت می‌باشد. بدون هیچ گونه دغدغه‌ای می‌توانند از ایشان تبعیت کنند؛ و نصب العین زندگی خود و فرزندانش قرار دهد. فرزندان حق زیادی بر پدر و مادر دارند که بهترین حق فرزندان تعلیم و تربیه آنها است.

۲- الگو تربیت

الگوی تربیت باید چند خصوصیت و ویژگی داشته باشد. تا بتواند سر مشق برای دیگران باشد.

۲/۱- ویژگی اول الگو تربیت

آن باید منحصر به فرد باشد. در عین حال قابل دست رسی برای دیگران هم باشد؛ تا نمونه و الگو قرار بگیرد؛ زیرا یکی از روش‌های تربیتی در زمینه الگوسازی، تمسک به

نمونه‌های مناسب است، انسان می‌تواند با هم‌ذات‌پنداری و همانندسازی با انسان‌های دیگر، خود را در او ببیند؛ و در مقام مقایسه برآید خود را مورد ارزیابی قرار دهد، با میلی درونی که به کمال دارد، موانع موجود را برطرف نماید. تا حد امکان به غایت انسانی نزدیک‌تر گردد. این روش تربیتی که معمولاً به همراه علاقه و دلبستگی به الگوی موردنظر است، از جذاب‌ترین شیوه‌های هدایت و کنترل می‌باشد و از همین روست که خداوند کریم با معرفی شخصیت‌های برتر، تلاش در جهت ایجاد این جذبه در سایه عقلانیت می‌نماید تا انسان‌ها باور کنند که فرزندان بشر با ویژگی‌های انسانی یکسان و مشابه می‌توانند به مقاماتی از قرب و کمال نائل آیند که تمامی مخلوقات را به تعجب و شگفتی وا دارد.

۲/۲- ویژگی دوم

آن است که انسان نمونه، با تمام ویژگی‌ها و خصوصیات با انسان‌های دیگر همانند و مثل هم باشند و الا پیروی غیر ممکن جلوه می‌کند. امکان رسیدن بر او دشوار می‌شود. خداوند در این زمینه می‌فرماید ای پیغمبر (ص) من ترا به‌عنوان نمونه و الگو معرفی کردم، بگو من از جنس شما هستم. من بشری مثل شما هستم که بر من وحی می‌شود. این مثلثیت و همانندی مورد تأکید قرآن است. در باره همانند بودن الگو تصریح شده تا مبدا انسان تصور نماید که پیامبر از جنس ملائکه است و یا صرفاً قالب انسانی دارد (سوره کهف آیه ۱۱۰).

چنانکه قرآن می‌فرماید پیامبر همانند دیگران است: می‌خورد، می‌آشامد، از غرائز انسانی برخوردار است، دوست می‌دارد، به خشم می‌آید، خرید و فروش می‌کند، غمگین می‌شود، خشنود می‌گردد و... بسیاری از صفات انسانی دیگر با همه ویژگی‌ها خواسته‌های انسانی را دارا است.

۲/۳- ویژگی سوم

الگو از بین مردم انتخاب شده باشد. با زبان آنان سخن بگوید و مثل آنان زندگی کند (ما هذا الرسول یا کل الطعام و یمشی فی الاسواق) (آیه ۷ سوره فرقان) این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها رفت و آمد می‌نماید. والی عاد اخاهم هودا (آیه ۵ سوره هود) و یا

الی ثمود اخاهم صالح (آیه ۶۱ سوره هود) والی مدین اخاهم شعیبا (آیه ۸۴ سوره هود) قران خصیت الگو را چنین معرفی می‌کند: ما به سوی قوم عاد و ثمود و مردم مدین برادرشان از جنس خودشان رسولان فرستادیم، ضمن آنکه این رسول با زبان خود آنان با آنان سخن می‌گوید: وما ارسلنا من رسول الا به لسان قومه (آیه ۴ سوره ابراهیم)

حضرت فاطمه (ص) نیز چون سایر انسان‌های نمونه از بین مردم برمی‌خیزد، او در بین آنان زندگی می‌کند و از تمامی ویژگی‌های فرزندان بشر برخوردار است، در زندگی با سختی‌هایی مواجه می‌شود، با ناملایمات زندگی کنار می‌آید، چون دیگر انسان‌ها بلکه بیشتر از آنها به پدرش عشق می‌ورزد، همسر و فرزندان را دوست می‌دارد، آنان را به جهت معصوم بودن از ابراز محبت خویش بی‌نصیب نمی‌سازد. فرزندان را با زیباترین کلمات ندا می‌نماید: قره عینی (نورچشم من)، ثمره فؤادی (میوه دلم)، با همسرش به غایت مهربان است، هیچ‌گاه دل همسرش را نمی‌آزارد، نگران فرزندان است، حتی آن‌گاه که در بستر بیماری آرمیده است دغدغه فرزندان را دارد، هم تسلیم رضای الهی است و مقدرات خداوند را می‌پذیرد، سفارش فرزندان و شیوه نگهداری آنان را به علی (ع) می‌نماید. در کنار مردم در سختی و راحتی زندگی می‌کند، به فرزندان و خانه‌اش رسیدگی می‌کند، از فشار امور زندگی رنجور و خسته می‌شود، مسائل اجتماعی و سیاسی بخشی اساسی از زندگی او را تشکیل می‌دهد، نسبت به آنها واکنش نشان داده، گاهی ناخشنود و گاه شاد می‌شود، در دوران حوادث صر پیشه می‌کند انسانی است به غایت انسانیت، با تمایلات، نیازها و ویژگی‌های انسانی. همه را دارد حضرت زهرا (ص) با وجود آن در مقابل فرمان خداوند تسلیم مهز است. لذا هر عملش در نزد خداوند دارای پاداشی بزرگ است. در سه روز روزه داری قوت خود و فرزندان را به مسکین و یتیم و اسیر می‌سپارد در مقابل این عمل خالصانه آیه نازل می‌شود. (آیه ۸ سوره تحریم)

تحمل این سختی‌ها در مقابل رضای خداوند است که موجب قرب و منزلت می‌گردد؛ که او را به مقامی می‌رساند که عالم و آدم بر آن مباحثات می‌کند. آن چه او را بر این امر می‌گمارد علاقه او به هدایت مردم است. حضرت زهرا (ص) پس از پیامبر اکرم (ص) در

شرایط خاص قرار داشت؛ شرایط که حضرت علی (ع) را به جهت حفظ مسلمانان به سکوت وا داشته. حضرت مسئولیت اتمام حجت و شفاف سازی در راستای وصیت و رسالت پیامبر را برعهده گرفته است، حضرتش در این مدت چون پیامبران مورد خطاب وحی واقع می شود و وظیفه زدودن ابهامها و روشن کردن حقیقت را بر عهده دارد تا آیندگان نگویند که حقایق بر آنها مکشوف نشد. حضرت زهرا (ص) تمام توان خود در انجام رسالتش به کار می گیرد، با صداقت به مردم سخن می گوید، حکم الهی را باز گو می کند، به مسجد رفته همگان را مورد خطاب قرار می دهد، به در خانه مهاجر و انصار رفته با آنان از در رحمت سخن می گوید، حکم خدا را با یاد آوری از بیانات پیغمبر (ص) محاجه می کند، این همه را از سر رغبت به هدایت مردم و نشان دادن راه حق به آنان است.

با داشتن تمامی ویژگی ها، خواسته ها و امیال های بشری چنین پرورش یافته و هدایت شده باشد. تا بتوان دیگران را با او سنجید. الگو و اسوه باشد برای دیگران تا همه بدانند در سایه اطاعت و بندگی و انجام وظیفه می توانند به مقامی نائل آمد که در عقل انسان نمی گنجد.

آن چه در الگوگیری از شخصیت حضرت زهرا (ص) کمک می نماید شفاف سازی است به گونه ای که هاله قدس اطراف آن حضرت مانع از دیدن جنبه بشری و مادی آن حضرت نگردد؛ تا راهش غیر ممکن جلوه نکند. وقتی بدانم الگو مثل خودما و از جنس ما بشر بوده نه ملک بوده و نه موجود مجرد و عاری از نفس و ماده بلکه تمام خصوصیات اولاد بشر را کاملاً داشته. پس می توان با سیره و تاسی به اعمال او ضعفها و معایب خویش را دید و چشم گوش به را بروی اشکالات خویش نسبت. درس ایستادگی (در برابر گرایش های ناصواب و آرزوهای نفس اماره) را فرا گرفت و به خویشنداری (تقوی) پرداخت. آن وقت است که داشتن چنین الگو، انسان را به سوی کمال رهنمون می شود. آری می توان آن حضرت را با چشم بصیرت دید، در کنار خود احساس نمود، با او زندگی کرد، در جای جای زندگی از رفتارش سرمشق گرفت، با او بالا رفت و اوج گرفت و افتخار نمود که فاطمه از ما است و با ما است مرشید و مربی ما است. ماهم در همان مسیر قدم می گذاریم ادامه

دهندگان همان را هستیم، ماهم پر می کشیم اوج می گیریم بر قله سعادت می رسیم، این کار شدنی است از محالات نیست؛ چرا که زهرا هم زمینی بود و از زمین به آسمان پرکشیده است و این است فخر زمینیان.

۲/۴- نقش الگوی در تربیت فرزند

بی تردید، رفتار هر انسانی، ریشه در روحيات و خصلت‌های کسانی دارد که در دوران طفولیت، نزدیک‌ترین انسانها به او بودند. در این دوران، مادر نزدیک‌ترین فرد به انسان است، نقش سازنده مادر در تعیین مسیر فرزندان در خور توجه است.

نقطه آغاز سعادت یا شقاوت انسانها، دامن مادر و محیطی است که مادر، رکن اساسی آن محسوب می‌شود. پس می‌توان گفت از این جهت، کودک مانند مومی است که در میان دستان قدرتمند مادر، قابلیت تبدیل به هر شکل و هیأتی را دارد.

با کمی دقت در برخورد عاطفی و منطقی حضرت زهرا سلام الله علیها در می‌یابیم که آن بانوی بزرگوار، در ساختن روح و شخصیت فرزندان گرمی‌اش از ابزاری بسیار ظریف و دقیق استفاده کرده است که بسیاری از آنها در حال حاضر، میان روانشناسان تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و خبرگان این فن به نتایج مثبت آن ایمان آورده‌اند. بی‌شک، این توفیق بی‌نظیر در تربیت کودکان، ناشی از شناخت عمیق و صحیحی است که اسلام در مورد انسان، ارائه داده است؛ بنابراین، اگر بگوییم هر مکتبی به اندازه شناخت درستی که از انسان دارد، در نظام تربیتی خود، به توفیقاتی دست می‌یابد و چون دین آسمانی و الهی اسلام از کاملترین و واقع‌بینانه‌ترین شناخت در مورد انسان برخوردار است، بیشترین توفیق را در قضیه تربیت به دست آورده، سخن به گزاف نگفته‌ایم.

روش تربیتی و اخلاقی حضرت فاطمه (ص) بهترین شیوه و تجربه برای ساختن نسلی پاک و سعادت‌مند است. از این رو، جا دارد که پیروان و ارادتمندان مکتب اسلام با به کار بستن شیوه‌ها و ظرایف تربیتی آن حضرت در رشد و تربیت نسلی پاک و پیشرو همت نموده، سعادت دنیا و آخرت فرزندان خود را بیمه کنند.

یکی از عوامل مؤثر در تشکیل شخصیت فرزندان فاطمه زهرا(ص) وراثت است، زیرا در این خانواده مادر از مقام عصمت بهره‌مند بوده، در وجود مطهر او هیچ رجس و گناهی راه ندارد، چنانچه در زیارت مطلقه امام حسین(ع) می‌خوانیم. گواهی می‌دهم که شما در اصلاب پاک و ارحام مطهر بودید و هیچ غباری از شرک و جهالت، بر شما نه‌نشست (مفاتیح الجنان زیارت عاشورا)

امام حسین(ع) در روز عاشورا، این حقیقت را یک بار دیگر بازگو فرمود: شهامت و آزادمنشی و کرامت را مرهون طهارت مادرم زهرا(ص) هستم. در واقع، صبر و شکیبایی عاشورا بلکه تمام زیبایی عاشورا محصول تربیت و نتیجه پرورش حضرت زهرا سلام الله علیها است، زیرا ارکان اصلی این قیام بی‌نظیر با شیوه‌های تربیتی فاطمه زهرا(ص) تربیت یافته بودند؛ به عبارت دیگر، صحنه کربلا تربیت صدیقه کبرا(ص) با تأیید الهی بودند.

۳- تربیت فرزند با تأکید بر سیره حضرت زهرا (س)

از نظر تعلیم و تربیت در مورد نقطه شروع تربیت و تأثیرگذاری آن در روان کودک شاید نظرات مختلف باشد. هر مکتب و صاحب نظری یک زمان خاص را در نظر داشته باشد یعنی در زمان شروع تربیت کودک، نظر واحد نیست ولی اسلام در این رابطه، نظرات متقن و دقیق ارائه کرده که بررسی تمام آنها از حوصله این مقاله خارج است در این قسمت به برخی نکات از سیره حضرت زهرا(ص) در تربیت فرزندان اشاره می‌شود. یکی از ابتدایی‌ترین مراحل پرورش و اثرگذاری در روح کودک نامگذاری را دانسته است. هر چند تعلیم تربیت رسمی (آغاز درس مکتب خانه رفتن) را از هفت سالگی میداند. ولی آماده سازی و مقدمه را از بدو تولد می‌داند.

۳/۱- نامگذاری

نام نیکو و پسندیده دارای آثار خاص است، حق مسلم فرزند بر گردن پدر و مادر است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: یکی از حقوقی فرزندان بر عهده والدین نام نیکو و پسندیده (حق الولد علی الوالد انّ یحسن اسمه؛ تعیین نام مناسب، حقی است که فرزند بر

ذمه والدین خود دارد) نام گذاری، برای طفل اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا اولین چیزی که در فهم و احساس کودک راه پیدا می‌کند، نام و شهرت اوست. این نام حامل بار فرهنگی و معنایی باشد، تأثیر بسزایی بر روح و روان او دارد، به همین جهت حضرت زهرا (ص) با هم‌کاری پیامبر (ص) و علی (ع) زیباترین نام‌ها را برای فرزندانش گذاشته، حتی که بر عهده داشت به بهترین شکل ادا کرد. پس اولین کام تربیت نام نیکو است.

۳/۲- اذان و اقامه:

کودکی که تازه چشم به جهان گشوده، اذان و اقامه اولین رهنمود به سوی خدا است تا بداند به خانواده مسلمان به دنیا آمده است یکی دیگر از سنتهای جاری در زندگی صدیقه کبرا (ص) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. آن حضرت به خوبی می‌دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد... آشنا کرد که این آشنایی، به یقین در جهت‌گیری تمایلات روحی او به سوی خداوند اثر خواهد گذاشت.

۳/۳- عقیقه:

منظور از عقیقه، همان قربانی کردن و اطعام است؛ در واقع سپاس از منعم و شریک کردن دیگران در شادی خود (شادی فرزند دار شدن) و فراموش نکردن طبقات ضعیف جامعه در همه حال است حتی زمانی که انسان شادترین لحظات زندگی خود را می‌گذراند. عقیقه (قربانی) از مستحباتی است که در اسلام، تأکید زیادی بر آن شده است. نقل شده است که فاطمه (ص) هر گاه صاحب فرزندی می‌شد، برای آنها گوسفندی عقیقه می‌کرد، برای قابله و همسایه‌ها هدیه می‌فرستاد (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۵۷)

إِنَّ فَاطِمَةَ (ص) عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (ع)؛ فاطمه (ص) خودش برای حسن و حسین (ع) عقیقه کردند (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶) توجه ویژه حضرت زهرا (ص) به این امر مهم و اهمیت آن در ندگی کودکان، با وجود آنکه پیامبر اکرم (ص) برای امام حسن و امام حسین (ع) عقیقه قرار داده بودند، ولی حضرت زهرا (ص) خود نیز به این

کار مبادرت ورزیدند. در روایتی از امام صادق (ع) درباره اهمیت عقیقه آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيْقَةِ؛ هر مولودی در گرو عقیقهی خود می باشد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۴). با توجه به این روایت می توان گفت سلامتی جسم و روح نوزاد در گرو این قربانی است.

۳/۴- نقش محبت در تربیت فرزند: روح انسان به گونه ای ساخته و پرداخته شده که نیاز به محبت و عطوفت، یکی از اساسی ترین نیازهای روحی او محسوب می شود؛ بدین جهت کودکان محروم از این نیاز فطری، دچار کمبودها و مشکلات روانی خواهند شد. بر اساس تحقیقات دامنه داری که در این زمینه به عمل آمده است، بسیاری از بزهکاری های افراد مختلف ریشه در خلاء عاطفی آنها دارد و چنانچه جامعه ای در زمینه اشباع روانی و اقلان نیازهای فطری فرزندان خود، توفیقی به دست آورد، کمتر شاهد ناهنجاری های فردی و اجتماعی خواهد بود. حضرت فاطمه (ص) که خود از سرچشمه محبت و عطوفت رسول خدا (ص) سیراب گشته و قلبش کانون محبت فرزندانش بود، در لحظات پایانی عمرش نگران حال فرزندان بعد از خودش بود. شاید بیشترین نگرانی آن حضرت برای محرومیت آنها از مادر بود، زیرا او می دانست که پس از شهادتش، هیچ کس نمی تواند مهر و محبت به اندازه مادر به آنها داشته باشد. برای اینکه فرزندان از نعمت و محبت مادرانه، محروم نمانند، خودش به حضرت علی (ع) پیشنهاد می کند؛ پس از من کسی را به همسری انتخاب کن که برای فرزندانم دل سوزانه مادری نماید (مناقب ابن شهر آشوب ص ۳۶۲) پس از رحلت رسول گرامی (ص)، مقداری از غمهای حضرت زهرا (ص) به محرومیت فرزندان از محبت پیامبر (ص) مربوط می شد گاهی با قلبی سوزان، خطاب به فرزندان چنین می گفت: کجا است آنکس که شما را عزیز می داشت؟ بر دوش خود سوار می کرد و به شما مهربانی می نمود. کجا رفت جد بزرگوارتان که از همه به شما مهربانتر بود، آن گونه که نمی گذاشت شما بر روی زمین راه بروید و همیشه شما را در آغوش خود داشت؟ آه که دیگر او را نمی بینم که شما را بر دوش گرفته باشد (بحار الانوار ج ۴۳ و مناقب ج ۳) مادر می تواند با محبت به فرزند روح او را تلطیف کرده و او را آماده پذیرش زلال معارف الهی کند و

حضرت زهرا(ص) در این زمینه کامل ترین است.

۳/۵- بازی و تحرک در سیره فاطمه (س)

علی رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه‌های ارائه شده از طرف اولیای الهی برای انسانها از هر تمدنی فرهنگ سازتر است. از جمله مواردی که در شیوه تربیت حضرت زهرا(ص) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگ‌ترها نیز باید تن به بازی کودکانه بدهند.

بازی در دوران کودکی به منزله واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهای نهفته اوست که تأثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه کودک، قابل توجه است. همچنین بازی، در تقویت نیروی ابداع و ابتکار کودک بی نهایت، مؤثر است؛ بنابراین غفلت از بازی به هیچ وجه به صلاح کودک نیست. همبازی شدن رسول معظم اسلام(ص) با فرزندان حضرت زهرا(ص) بیانگر این نکته مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می شود. حضرت علی(ع) و فاطمه(ص) در خانه به بازی بچه‌ها توجه کافی مبذول می داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می شد.

خانه‌هایی که برای کودکان بازی و تحرک نیست، تحرک و بازی کودکان را نوع بی ادبی می شمارند در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه، اثر نامطلوبی دارد، نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرایط را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه(ص) از همان دوران کودکی با فرزندان همبازی می شد و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می گیرد؛ بنابراین باید از الفاظ و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید در قالب بازی نفس کودک را تقویت کرد. شعار و شعور را در بازی به کودکان آموخت بر خلاف مرسوم جامعه امروزی ما که بازی‌های اطفال عاری از نوکات

تربیتی و آموزنده است، نه تنها خالی از نکته‌های مثبت است بلکه تمام حرف‌ها و بازی‌ها حتی داستان‌های که به کودکان گفته می‌شود همه خلاف واقع است هنگامی که بزرگتر می‌شود می‌بیند که تمام داستان‌ها سراب بوده. دقت نظر فاطمه (ص) را در تربیت فرزندان و جملات که در بازی کودکان به کار می‌برد سر نوشت ساز است. بعد از چندین سال که فرزندان بزرگتر شدن. آن بازی‌ها خودش یک آرمان و هدف است. حضرت زهرا (ص) با فرزندش امام حسن مجتبی (ع) بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: اِشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ، وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الْوَسْنَ و اعبد اللهَا ذَا مِئْنَنَ و لَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ.

پسرم حسن، مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از حق بر کن. خدایی را پرست که صاحب نعمتهای متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن.

۳/۶- عبادت کودک در تربیت فاطمی

یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا (ص) بدان توجه و تأکید داشتند بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند دانسته و از آن بالاترین لذت را می‌بردند. بنابر این توقع ما از فرزندان ما به یاد خدا بودن در عین کودکی و در ضمن بازی از یاد خدا غافل نبودن باشد. پس بچه‌ها یک نکته را به خاطر داشته باشند که خدا بازی‌های او را می‌بیند. فقط همین که از یاد خدا غافل نباشد کفایت می‌کند. نوع بازی و سرگرمی باید سنجده باشد. درست است که سن تکلیف در اسلام ۱۵ سال قمری در پسران و ۹ سال قمری در دختران است ولی نباید توقع داشت فرزندی که تا سن ۱۵ سالگی یکبار هم رو به خدا نه ایستاده است، از سن ۱۵ سالگی بدون هیچ زحمت و سختی به عبادت و بندگی پردازد. ضمن این که صرف عبادت و بندگی در اسلام مهم نیست بلکه این عبادت و بندگی باید همراه با عشق و علاقه باشد. وقتی به این دو نکته دقت می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چرا حضرت زهرا (ص) تأکید داشت که بچه‌ها را از کوچکی به انجام عبادت فراخواند. دخت گرامی رسول

اکرم (ص) بر این مطلب تأکید داشت که بچه‌ها را از کوچکی به انجام عبادت فرا خواند و آنان را به خدا پیوند دهد و بذر محبت و ارتباط با خدا را در کام آنان بیفشاند تا انجام تکلیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند. بر این اساس فاطمه (ص) فرزندان خود را به شب‌زنده‌داری دعوت می‌کرد. البته او شیوه تربیت را به خوبی می‌دانست و به گونه‌ای برخورد می‌کرد که در حد توان و استعداد فرزندان باشد.

حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن دعوت می‌کرد. ممکن است کسی تعجب کند که او چگونه بچه‌ها را به این کار که حتی برای اشخاص بزرگ هم زحمت دارد.

حضرت در روز بچه‌ها را می‌خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین‌گونه

زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب‌زنده‌داری داشته باشند. او به حدی در

این کار جدی و قاطع بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می‌فرمود: محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند (دعائم الا سلام ج ۱ ص ۲۸۲) گویا فاطمه (ص) می‌خواهد از دوران کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی و جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند و محبوب راستین را به آنان نشان دهد تا در جوانی جذب جلوه‌های دروغین نشوند. این روش تربیتی فاطمه (ص) به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل توجه است.

امام صادق (ع) فرمودند: زمانی که کودک به سن شش سالگی رسید او را به نماز و چنانچه تحمل گرفتن روزه داشت، او را به انجام آن وادار نمایید.

شخص خدمت امام رضا (ع) آمد از فرزندش نزد حضرت شکوه می‌کند که یک یا دو روز نماز نمی‌خواند. امام (ع) فرمود: چند سال دارد؟ مرد جواب می‌دهد هشت سال. امام (ع) می‌فرماید سبحان الله! نماز را ترک می‌کند! جواب می‌دهد آری. وقتی که مریض

حال است. امام می‌فرماید به هر اندازه می‌تواند نماز بخواند. (دعائم السلام ج ۱ ص ۲۸۲) در روایت دیگری از امام صادق (ع) است می‌فرماید ما فرزندان خود را از پنج سالگی به نماز فرا می‌خوانیم و شما فرزندان را از هفت سالگی به انجام نماز وادار نمایید. وقتی که بچه هفت ساله شد به او بگویند دست و صورت خود را بشوید و نماز بخواند، اما وقتی به سن نه سالگی رسید باید وضوی درست و کامل را به او بیاموزید و سفارش مؤکد کنید تا نماز بخواند و در صورت ضرورت می‌توانید او را با تنبیه به نماز وادارید (وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۳) اگر خانواده در بعد پرستش فرزند مراقبت کند و در پایه‌گذاری شخصیت کودک تلاش نموده و حس دینی او را تقویت نماید، ثمره آن را در جوانی خواهد دید.

۴- سلامتی جسمی

یکی از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی، رسیدگی به نیازهای جسمی فرزندان است. تأمین هر گونه نیازها که جسم و روح کودک را آرام و آسوده نگه می‌دارد، سلامتی و صلابت روح او را تا پایان عمر تضمین می‌کند. ناهنجاری‌های فراوانی که در انسانهای بزرگ دیده می‌شود، به نوعی ریشه در نیازهای این دوره از زندگی آنها دارد. علاوه بر این، نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود. بدون شک تردید یک جسم بیمار روح را افسرده و بی‌نشاط می‌سازد، همان گونه که روح افسرده، موجب اخلال در فعالیت‌های بدن می‌گردد. تقویت پرورش جسمی فرزندان از مقدمات تربیت است؛ زیرا غالباً عقل سالم در بدن سالم است. از این روست که حضرت زهرا (ص) در کنار توجه به مسائل روحی به نیازهای جسمانی کودکانش توجه بسیاری می‌نمود.

یکی دیگر از نکاتی که می‌توان در سلامتی جسمی فرزندان از سبک زندگی حضرت زهرا (ص) استفاده کرد، صدقه برای فرزند است. در روایت از امام صادق (ع) آمده است: آن فاطمة (ص) حلقه حسنا و حسینا یوم سابعهما و وزنت شعرهما فتصدق به وزنه فضة؛ حضرت فاطمه (ص) در روز هفتم ولادت، موهای سر حسن و حسین (ع) را تراشید و وزن

کرد و به همان وزن، نقره صدقه داد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۰). این روایت اشاره به صدقه‌ی روز هفتم دارد که از مستحبات مؤکد در مورد سلامتی فرزند است. از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزند، تغذیه، بهداشت، ورزش، بازی و تحرک جسمی است؛ که همبازی شدن رسول معظم اسلام(ص) و حضرت زهرا(ص) با فرزندان خردسالشان بیانگر نکات ذیل است.

۴/۱ شادی و نشاط

خانه برای کودک باید محیطی شاد و با نشاط باشد. لذا حضرت زهرا(ص) و حضرت علی(ع) علیرغم تمام مشکلات، مصائب و گرفتاری‌های موجود، در برخورد با کودکان، خود را خوشحال و خندان نشان می‌دادند. مانع از تحرک و بازی کودکان آنها نمی‌شدند. این از لازمه و جوهره جوانمردی است که انسان گرفتاریهای خود را به اطرافیان اخصا کودکان منتقل نکند، گرفتاری‌های خارج از خانه را با خود به خانه نیاورد و غصه‌های خود را هر قدر که باشد، در ظاهر خود، نمایان نسازد. بدون تردید، فرزندان که محصول تربیت چنین خانواده‌هایی هستند از روان سالم، روحیه‌ای قوی و نفسی مطمئن برخوردار خواهند بود.

۴/۲ - حفظ شخصیت کودک

شخصیت هر کس به اندازه اثر وجودی آن فرد است. هر قدر که تأثیر وجودی انسان در جامعه، تاریخ و نسلا بیشتر باشد، به همان نسبت، ارزش و افتخار بیشتری نصیب وی می‌شود. بعضی افراد، دارای شخصیت مثبت هستند، یعنی از توانایی‌های بالفعل و بالقوه خود، در جهت مصالح جامعه و افراد نزدیک به خود، استفاده می‌کنند و برخی دیگر دارای شخصیت منفی هستند، یعنی نیرو و استعداد آنها مانند سهم مهلکی است که به پیکره اجتماع وارد می‌شود. نباید فراموش کرد که شکل اصلی و اولی این دو نوع شخصیت و منش، از همان دوران کودکی، ساخته می‌شود. از طرف دیگر، آثار وجودی هر شخصی از نقطه‌ای شروع می‌شود که به طور صد در صد تحت تأثیر اطرافیان، بخصوص پدر و مادر قرار داشته است. در تعلیم دینی می‌گویند آنچه کودک در طفولیت می‌آموزد تا پایان عمر او را همراهی

می‌کند.

این درست است که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) انسان‌های والایی هستند که در اثر شخصیت نافذ الهی خود توانستند سیر تاریخ را تغییر بدهند. تغییر سیر تاریخ حاصل نمی‌شود مگر به همت‌های بلندی و کرامت‌های انسانی و همت والایی؛ که این کرامات ایشان شجاعت... تا حدی مدیون تربیت الهی و بیت ملکوتی فاطمه زهرا (ص) است.

روزی پیامبر (ص) وارد خانه شد. فرمود: دخترم! امروز پدرت مهمان شماست. پیامبر وارد اتاق شد و در کنار امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین (ع) نشست. فاطمه همچنان متحیر بود که برای پذیرایی از رسول خدا (ص) چه بکند؟ در آن هنگام پیامبر خدا دستهایش را به قصد طعامی بهشتی برای فرزندانش به طرف آسمان بلند کرد. لحظاتی بعد، جبرئیل به نزد پیامبر مشرف شد عرض کرد من حامل سلام مخصوص خداوند بر شمایم خداوند می‌فرماید: به علی و فاطمه و فرزندان آنها بگو آنچه از میوه‌های بهشتی میل دارید، از من بخواهید. پیامبر اکرم (ص) پیام خدا را به اهل بیت علیهم السلام رساند، اما کسی چیزی نگفت. امام حسین (ع) گفت: اگر اجازه بفرمایید من انتخاب کنم. همه گفتند: انتخاب تو را قبول داریم. امام حسین (ع) گفت: ای رسول خدا (ص) به جبرئیل بگوید، ما خرمای بهشتی میل داریم. پیامبر به فاطمه (ص) اشاره کرد که برخیز داخل اتاق شو و هر چه که آنجاست بیاور. فاطمه زهرا (ص) در آن اتاق با سبدي بلورین که با دستمال ابریشم سبزی پوشانیده شده بود روبه‌رو گشت. داخل سبد پر از خرمای غیر فصلی بود. پیامبر رطبها را گرفت و میان اعضا تقسیم کرد و خود دانه دانه در دهان امام حسن و امام حسین (ع) گذاشت. (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۸۳ و مناقب ج ۳ ص ۳۵۸) نکته‌ای که باعث شد تا روایت فوق را به طور کامل بیاوریم، احترامی بود که اهل خانه به نظر و رأی امام حسین (ع) گذاشتند، به گونه‌ای که همه پذیرفتند. آنچه امام حسین (ع) اراده می‌کند، برای سایرین آماده می‌شود. این‌گونه ترتیب اثر دادن به رأی و نظر اعضای خانواده، شخصیت مستحکمی را برای افراد به ارمغان می‌آورد.

۴/۳ ایجاد اعتماد به نفس

یکی از راه‌های ایجاد اعتماد به نفس در کودک، ایجاد محیط رقابت سالم برای وی است. اگر در تاریخ می‌بینیم که فرزندان حضرت زهرا (ص) هرگز تسلیم زر و زور و تزویر نشدند به این دلیل است که آنها از کودکی از میدان رقابت و مسابقه نه هراسیدند و این میدان را والدینشان برایشان مهیا می‌ساختند. روبه‌رو ساختن کودکان با مشکلات و فراهم نمودن امکان رقابت برای آنها موجب اعتماد به نفس آنان می‌شود. اعتماد به نفس (نقطه‌ای مقابل آن حس حقارت و خودکم‌بینی است) ارزشمند و سرنوشت‌ساز است اولیای کودک باید این حس را در کودک خود به وجود آورند، چرا که در غیر این صورت، کودک دل‌بند خود را بدون هرگونه سلاح به میدان نبردی فرستاده‌اند که قدرتمندان زیادی در این میدان به زمین خورده‌اند. به نوشته بعضی از روان‌شناسان، یکی از عمده‌ترین اهداف در تربیت کودکان، ایجاد نوعی احساس واقعی اعتماد به نفس است.

به شهادت تاریخ، فرزندان حضرت فاطمه (ص) هرگز تسلیم باطل و مرغوب هیچ چیزی نشدند و در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی بزرگواری و عزت نفس خود را حفظ کردند و این موفقیت، ریشه در اعتمادی داشت که در دوران خورد سالی نسبت به خود پیدا کردند. مسابقه از جمله وسایل است که روح اعتماد به نفس و مشکل ستیزی را در کودک، زنده نگه می‌دارد.

روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام در یک مسابقه خطاطی به رقابت پرداختند. امام حسن (ع) گفت: خط من بهتر است و امام حسین (ع) گفت: آنچه من نوشتم، زیباتر است. سرانجام، هر دو جهت داوری مسابقه، خدمت مادرشان رسیدند. فاطمه زهرا (ص) نمی‌خواست بچه‌ها آزرده شوند فرمود: به پدرتان مراجعه کنید تا قضاوت کند. حضرت علی (ع) نیز آنها را نزد پیامبر فرستاد و داوری بر عهده آن حضرت نهاد. پیامبر نیز داوری را به جبرئیل سپرد. او نیز به اسرافیل حواله داد تا اینکه اسرافیل از جانب خدا قضاوت در این مورد را به خود فاطمه (ص) سپرد. حضرت زهرا (ص) عرض کرد: خدایا چگونه میان این دو قضاوت کنم؟

به الهام حضرت باری تعالی، صدیقه کبری (ص) گردنبد خود را پاره کرده، دانه‌های آن را که زوج نبود، بر زمین ریخت و سپس فرمود: هر که بیشترین دانه‌ها را جمع کرد، از جانب من برنده خواهد بود. در این صورت، باید یکی در این مسابقه پیروز می‌شد، اما جبرئیل یکی از این دانه‌ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه برداند. بدین ترتیب، این مسابقه دو برنده داشت و هر دو در این رقابت، پیروز شدند (وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۲)

۴/۴ عدم تبعیض

یکی از اساسی‌ترین نکاتی که در پرورش روح سالم به کودک کمک می‌کند، عدم وجود حس حقارت و خودکم بینی است؛ که ریشه عداوت در کودکان احساس کم ارزشی در نزد والدین و سبقت دیگر فرزندان است. باید مانع عوامل ایجاد کننده عداوت میان کودکان شد. یکی از عوامل ایجاد کننده عداوت میان اطفال، تبعیض میان کودکان است؛ که رعایت عدل و انصاف درباره کودکان اصل سازنده‌ای است تا اعماق وجود کودک، اثر می‌گذارد. خواسته‌ها و نیازهای کودک در عین حال که بسیار محدود و معدود است تا حد زیادی نیز طبیعی و فطری است. نیاز کودک به داشتن وسایلی برای بازی و سرگرمی یا دیدن تبعیت مناظر زیبا... نیازهای طبیعی او را تشکیل می‌دهد و بی‌تردید باید مورد توجه بزرگترها قرار گیرد. به هیچ وجه نباید این نوع تمایلات را که برخاسته از فطرت پاک و کودکانه آنهاست، (هرچند به نظر ناچیز جلوه می‌کند) نباید دست کم گرفت و با بی‌اعتنایی به این امور و یا با تبعیض در خرید وسایل کودکانه و دیدن مناظر تبعیت و رفتن مهمانی‌ها آن‌ها را به اموری دیگر و دور از طبیعت کودک تبدیل کرد. روزی امام حسن (ع) نزد پیامبر (ص) آمد و اظهار تشنگی کرد، از پیامبر تقاضای آب نمود، رسول خدا (ص) بی‌درنگ برخاسته و ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن (ع) داد. در این هنگام امام حسین (ع) خواست تا ظرف شیر را بگیرد، اما پیامبر به حمایت از امام حسن مانع گرفتن ظرف از امام حسن (ع) شد. فاطمه زهرا (ص) که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا امام حسن (ع) برای شما عزیزتر از امام حسین (ع) است. پیامبر فرمود: نه هر دو

برایم عزیز و محبوبند، ولی چون اول امام حسن (ع)، تقاضای آب کرد، او را مقدم داشتم (وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۲)

۵- تعادل در آزادی و کنترل فرزندان

تعادل در مراقبت از فرزندان آزادی بی حد و حصر و محدودیت زیاد، هر دو مخرب هستند. اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر از همین دو عنصر (آزادی و محدودیت) سرچشمه می‌گیرند. اکنون پس از گذشت حدود ۱۴۰۰ سال از زمان حضرت زهرا (ص) مشخص شده است که چرا حضرت زهرا (ص) در نهایت فداکاری و محبت، نگران و مراقب تمام حرکات و سکنات فرزندانش بود. حضرت فاطمه (ص) با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندانش نشان می‌داد مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقت، رفت و برگشتهای آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که روزی پیامبر، عازم خانه دخترش فاطمه (ص) گردید. چون به خانه رسید، دید فاطمه مضطرب و ناراحت، پشت در ایستاده است. آن حضرت فرمود: چرا اینجا ایستاده‌ای؟ فاطمه با حالت مضطرب، عرض کرد: فرزندانم بیرون رفته‌اند و تاکنون از آنها هیچ خبری ندارم. پیامبر به دنبال آنها روانه شد چون به نزدیک غار جبل رسید، آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش، مشغول بازی‌اند. آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (ص) روانه شد. این واقعه، خود نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (ص) به حضور فرزندان خردسالش بود. (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۸۳ و مناقب ج ۳ ص ۳۵۸)

۶- ارج نهادن به شخصیت کودک

انسان می‌تواند یکی از دو شخصیت را داشته باشد. هم می‌تواند شخصیت مثبت داشته باشد و در جامعه تأثیر مثبت بگذارد و هم می‌تواند شخصیت منفی داشته باشد و در جامعه تأثیر منفی بگذارد؛ و این شخصیت در هر انسانی از کودکی شکل می‌گیرد و یکی از عوامل مؤثر در این شکل دهی پدر و مادر، مخصوصاً مادر است. حضرت زهرا (ص) با ارج نهادن به شخصیت کودکان در شکل‌گیری شخصیت والای ایشان به آنها کمک می‌کرد.

۶/۱- اهمیت دادن به نیازهای طبیعی کودک

کودک همان طور که خود کوچک است، خواسته‌ها و نیازهایش نیز کوچک هستند، ولی برای خود او بسیار مهم هست. والدین با الگو برداری از حضرت زهرا(ص) در می‌یابند که این نیازها جزء فطرت کودک است و نباید آنها را دست کم گرفت مبادا کودک سرخورده و غیرطبیعی رشد کند. با دقت در تاریخ در می‌بینیم که حضرت زهرا(ص) با الهام از معارف ناب الهی تمام این نکات را چگونه در مورد فرزندانش رعایت می‌کردند؛ که الگو برداری از ایشان موهبتی است که خداوند متعال به ما عنایت کرده است. باشد که قدردان آن بوده و فرزندان خود را جوینده راه حضرت زهرا(ص) به بار آوریم.

از مجموعه این حقوق یک چیز به دست می‌آید بنام تربیت که تربیت، جامع حقوق و عصاره و نتیجه ادای حق کامل صحیح فرزند بر والدین است. فرزند که تربیت اسلامی داشته باشد. صحت جسمی و روحی، اخلاق و ادب او نشانگر رعایت حقوق او از طرف والدین است. تربیت به منزله معماری و ساخت انسانیت یک انسان است. فرزندان مثل مواد خام ساختمان که معمار می‌تواند با آن مواد، اسطبل ساخت یا مسجد.

برای هر ساخت سازی چند چیز لازم است؛ ۱- مواد لازم، ۲- دستور العمل، ۳- الگوی ساخت.

مواد لازم: در این جا قلب‌های آماده اطفال مواد لازم است،

دستور: ساخت انسانیت انسان و تربیت رفتار اخلاق است.

الگو: برای ساخت تربیت فرزند حضرت زهرا(ص) است.

۷- نتیجه گیری:

آن چه از سیره تربیتی حضرت زهرا(ص) به دست می‌آید، رعایت عدل و انصاف در باره کودکان رفتار عادلانه بذل محبت و توجه به طور مساوی به فرزندان، اصل سازنده‌ای است که تا اعماق وجود کودک، اثر می‌گذارد. در روایات معصومین(ع) سفارش شده است که پدر و مادر از تبعیض و بی‌انصاف، پرهیز کنند، بلکه عدالت و توازن را سرلوحه رفتار

خانواده خود قرار بدهند. پدر و مادر نباید در مواقعی مانند خرید لباس، هدیه و پاسخ سلام، روح کودک را با مراعات نکردن انصاف، آزار دهند. ناگفته نماند، اینکه پدر یا مادر به یکی از فرزندان خود، علاقه ویژه و بخصوصی داشته باشد تا حدودی طبیعی است و شاید خارج از اراده آنها باشد، اما نکته مهم و اساسی این است که نباید این علاقه ویژه در رفتار و عملکرد پدر و مادر تأثیر گذارد باشد، به گونه‌ای که سایرین متوجه این علاقه شوند. از طرف هم نباید این تساوی باعث از بین رفتن حق و اولویت‌ها شود تقدم در مطالبه و نیاز و موقعیت یا حفظ آبرو... معنای رفتار عادلانه تساوی مطلق نیست. بلکه رعایت اولویت‌ها و سنجش رعایت حق تقدم از شاخصه‌های رفتار عادلانه است.

همچنین رعایت عدالت و مساوی دانستن فرزندان و بیم خوف از ایجاد کین عداوت بین آنها مانع از تحرک فرزندان و رقابت سالم نشود یعنی حسایت بی جا مانع از تربیت صحیح و کامل آنها نشود. ولی از طرف هم این امر بر کسی پوشیده نیست که بی توجهی به نظارت فرزندان، بخصوص در رفت و آمدهای آنها چه نتایج زیانباری به دنبال دارد، با توجه به خطرات و تهدیداتی که هر لحظه، سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار می‌دهد، لازم است که رفتار آنها به‌ویژه مواقع ورود به خانه و زمان خروج از آن، مورد دقت و بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر از همین بی توجهی پدر و مادر آغاز می‌شود. گاهی قید و محدودیت‌های زیاد و بی معنا و دل هره‌های بی مورد و چشم گوش بسته نگه داشتن هم سبب انحراف می‌شود. چون فرزند تا حد در اختیار خانه و پدر مادر است. لابدیت زمان جو و فضای کنونی اقتضا دارد که بچه از دسترس والدین خارج شده. در اختیار محیط و جامعه قرار گیرد. آنها در سنین نوجوانی که طغیان و تلاطم جهل نادانی است. یا محیط کار است یا محیط تعلیم و درس. خانه‌ی فاملها یا بادوستان در بازی و وقت گزراندن بهر صورت کمترین زمان را با والدین می‌گذرانند. اگر قبل از این مراحل خیلی چشم گوش بسته باشد یک بار با چنین فضای باز رو برو شود اخضا در فضای جامعه بی قید و شرط کنونی قرار بی‌گیرد. نگهداری دشوار است. مگر آنجوان از نفس خیلی خیلی بالا و قوی برخوردار باشد. طینت پاک و اصیل داشته باشد. که راهی

صحیح را تشخیص و ترجیح بدهد. والدین در این مرحله فقط نقش راهنما را دارد. و کنترل از راه دور مثل بررسی اطرافیان و رفقای که با آنها در حشر نشر است، زمان و مکان رفت آمد فرزندان نوع سرگرمی مبیایل ... اگر بتواند جایگزین کند. آنها به دست خود فرزندان و توسط خودشان و الا حذف پاک کردن مسئله، یا عکس فلیم از مبیایل یا منع تهدید از رفت آمد و نشست با فلانی و فلانی... هیچ اثر ندارد.

کتابنامه

- قرآنکریم.
- نهج البلاغه، قم: دار الهجره، بی تا.
- صحیفه سجادیه، چاپ اول قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، چاپ اول قم کتاب خانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی چاپ ششم، تهران کتابچی، ۱۳۷۶.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعا تم الاسلام، و ذکر الحلال والحرام، والقضایا الاحکام، چاپ دوم، قم، موسسه آل البیت، ۱۳۸۵ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، (ع) چاپ دوم قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم والمعارف والا حوال من الایات والاخبار والاقوال، چاپ اول قم: موسسه الامام المهدی (ع) ۱۴۱۳ق.
- بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، چاپ اول، تهران انتشارات فرهنگ، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و پنجم، تهران دار المکتب الاسلامیه ۱۳۷۷.
- حراغلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: انتشارات موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار بیروت: موسسه الوفاء ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپ اول تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- طبا طبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-قم، ۱۴۱۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الاثمه الاطهار، ۱۱۱ جلد دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.

- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام ج ۱ ص ۲۸۲ چاپ دوم قم، موسسه آل البيت، ۱۳۸۵ ق.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت (ع) ۱۴۰۸ هجری.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ۲ قم انتشارات موسسه آل البيت ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی محمد باقر، بحار الانوار ج ۴۳ بیروت انتشارات موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول ۲۶ جلد، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری ۲۷ جلد صدرا، تهران ۱۳۸۴.
- داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع) قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۳۸۷.
- حسینی زاده، سید علی، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- دلشاد، تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، موسسه ذکر، تابستان، ۱۳۷۶.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰ چاپ دوم بیروت، ۱۴۰/۳
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۵ ص ۴۹، تهران انتشارات دار الکتب الاسلامیه ۱۳۶۵.